

## مرگ طبری و کتاب تاریخ او

طبری چند کتاب مهم نوشت اما بیشتر اعتبار و شهرت او در روزگار ما به کتاب تاریخ اوست؛ تاریخی که از آفرینش جهان و داستان آدم و حوا شروع می‌شود و تا اوایل قرن چهارم هجری (یعنی زمان حیات نویسنده‌اش) ادامه می‌یابد.



طبری چند کتاب مهم نوشت اما بیشتر اعتبار و شهرت او در روزگار ما به کتاب تاریخ اوست؛ تاریخی که از آفرینش جهان و داستان آدم و حوا شروع می‌شود و تا اوایل قرن چهارم هجری (یعنی زمان حیات نویسنده‌اش) ادامه می‌یابد.

به گزارش ایسنا، روزنامه اعتماد نوشت: «یک: طبری زمستان ۲۰۱ خورشیدی در چنین روزی در بغداد از دنیا رفت. از مهم‌ترین دانشمندان زمان خود و یکی از مشهورترین مورخان تاریخ ماست و بسیاری، حداقل نامش را شنیده‌اند. پسرش عبدالعزیز می‌گفت: «پدرم از حیث فضل و دانش و هوش دارای مقامی بود که هر کس او را می‌دید و می‌شناخت، منکرش نمی‌شد، زیرا او چندان علوم اسلامی را در خود جمع کرده بود که کس دیگری به آن پایه نمی‌رسید و فهرست آثارش از همه علما و فقهای آن روزگار بلندتر و غنی‌تر است. هم در علوم قرآنی و هم در اخبار پیامبران و پادشاهان تبخیر بسیار داشت و روایت‌های مختلف و متضاد از هر واقعه را بهتر از هر روایت شناس دیگر می‌شناخت.»

شاید حرف‌های پسر درباره پدر چندان پذیرفتنی نباشد اما او فقط یکی از ستایشگران طبری بود. مثلاً روایت کرده‌اند «ابوالعباس نحوی که از بزرگان علوم ادبی بود روزی از اصحاب خود پرسید چه کسی از علمای نحو در جانب شرقی بغداد باقی مانده‌اند؟ گفتند: هیچ‌کسی باقی نمانده است و تمام شیوخ و اساتید از میان ما رفته‌اند. آنگاه ابوالعباس از مخاطبی از جانب غربی بغداد که کنارش نشسته بود، پرسید: حتی جانب شما هم از بزرگان و دانشمندان نحو خالی شده است؟ جواب شنید: آری مگر این که طبری فقیه را یکی از علمای نحو محسوب کنیم. ابوالعباس پرسید: پسر جریر؟ مخاطب گفت: آری. آنگاه ابوالعباس گفت که به راستی او، یعنی طبری از علمای متبحر و بصیر در نحو است. گفته‌اند این سخن از ابوالعباس غریب بود، زیرا او مردی تندخو و مغرور بود و برای کسی شهادت به تبخیر علمی نمی‌داد. از این که درباره طبری چنین گفت، دلیل روشنی است بر مقام طبری در علم نحو.»

دو: طبری چند کتاب مهم نوشت اما بیشتر اعتبار و شهرت او در روزگار ما به کتاب تاریخ اوست؛ تاریخی که از آفرینش جهان و داستان آدم و حوا شروع می‌شود و تا اوایل قرن چهارم هجری (یعنی زمان حیات نویسنده‌اش) ادامه می‌یابد. مسعودی مورخ می‌گفت تاریخ طبری از همه کتاب‌های تاریخی دیگر برتر است و ارزش آن بر همه کتاب‌هایی که در این رشته نوشته شده‌اند و اکنون موجودند فزونی دارد. اما خود طبری در شروع کتابش می‌نویسد که «خواننده این کتاب بداند که استناد ما به آن چه در این کتاب می‌آوریم به روایات و اسنادی است که از دیگران، یکی پس از دیگری به ما رسیده است و من نیز خود از آنان روایت می‌کنم یا سند روایت را به ایشان می‌رسانم. نه آن که در آوردن مطالب تاریخی، استنباط فکری و استخراج عقلی شده باشد.»

و بعد می‌افزاید: «اگر ناظران و شنوندگان اخبار این کتاب به برخی داستان‌ها و قصه‌ها برمی‌خورند که عقل وجود آنها را انکار می‌کند و گوش‌ها از شنیدن آنها تنفر حاصل می‌نماید، نباید به من خرده‌گیری و عیب‌جویی کنند؛ چه آن که این گونه اخبار را دیگران و پیشینیان برای ما نقل کرده‌اند و ما نیز آنها را چنان که شنیده‌ایم در کتاب خود آوردیم.»

از این رو اشاره به خبری از اخبار موجود در تاریخ طبری الزاماً اشاره به واقعیتی تاریخی نیست و هر کسی به صرف نقل جمله یا بخشی از آن، از «تاریخ» سخن نمی‌گوید. نویسنده‌اش نیز چنین ادعایی نداشت.»